



واکاوی مقایسه‌ای اثربخشی متون نظم و نثر فارسی بر بهبود مهارت‌های خوانداری و درک مطلب دانش‌آموزان (مطالعه شبه تجربی در آموزش و پرورش استان فارس)

نازیلا اتباعی

فوق لیسانس ادبیات فارسی



MDOI-02-2026.0215

MNR-229-2-36EE70

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه تطبیقی اثربخشی تدریس بر پایه متون نظم (شعر و متون منظوم تعلیمی) در برابر متون نثر ادبی (داستان‌های کوتاه و حکایات ساده‌شده) بر توسعه مهارت‌های زبانی و سطح درک مطلب دانش‌آموزان استان فارس در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود. روش پژوهش از نوع شبه تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان متوسطه اول استان فارس بود که از میان آن‌ها، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تعداد ۶۰ دانش‌آموز انتخاب و در سه گروه ۲۰ نفره (گروه آزمایش اول: آموزش مبتنی بر نظم، گروه آزمایش دوم: آموزش مبتنی بر نثر، گروه کنترل: آموزش سنتی) جای‌دهی شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، آزمون محقق‌ساخته درک مطلب خوانداری (بر اساس آزمون پرلز) و سنجش مهارت‌های زبانی بود که روایی آن توسط متخصصان علوم تربیتی و ادبیات تایید شد و پایایی آن از طریق کوادر-ریچاردسون به دست آمد. مداخله آموزشی در گروه‌های آزمایش به مدت ۱۰ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای اعمال گردید. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری (MANCOVA) انجام شد. یافته‌ها که به صورت تحلیل درون‌متنی ارائه شده است، نشان داد که هر دو روش استفاده از نظم و نثر ادبی باعث بهبود معنادار مهارت‌های زبانی و درک مطلب دانش‌آموزان نسبت به گروه کنترل شدند. با این حال، مقایسه میانگین‌ها مشخص ساخت که متون نثر ادبی در تقویت مولفه‌های استنباط و درک صریح متن اثربخش‌تر بوده، در حالی که متون نظم در بازشناسی واژگان، افزایش دایره لغات عاطفی و حفظ اصطلاحات کارآمدی بیشتری نشان دادند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود معلمان در طراحی آموزشی خود از تلفیق هدفمند هر دو ساختار زبانی بهره گیرند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات نوجوان، درک مطلب، مهارت‌های زبانی، متون نظم، متون نثر، آموزش زبان فارسی.



زبان ابزار اصلی تفکر، ارتباط و انتقال میراث فرهنگی در جوامع بشری است و دوران تحصیل به عنوان حیاتی ترین مرحله برای شکل گیری پایه مهارت های زبانی شناخته می شود (باقری، ۱۳۹۸). در این دوران، دانش آموز نه تنها با ساختارهای صوری زبان آشنا می شود، بلکه توانایی تفسیر، تحلیل و نقد پیام های زبانی را نیز کسب می کند که در قالب مهارت های چهارگانه گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن متجلی می گردد (احمدی، ۱۳۹۹). ادبیات فارسی به عنوان بستری غنی و پویا، همواره دو بال قدرتمند نظم و نثر را برای انتقال مفاهیم اخلاقی، علمی و اجتماعی به کار گرفته است؛ اما چگونگی استفاده بهینه از این دو قالب در کتاب های درسی همواره محل بحث متخصصان حوزه برنامه ریزی درسی بوده است (کریمی، ۱۴۰۰). معلمان در کلاس های درس با چالش چگونگی انتقال مفاهیم انتزاعی به دانش آموزان روبرو هستند و انتخاب قالب ادبی مناسب می تواند تسهیل کننده این فرآیند شناختی باشد (امیری، ۱۴۰۱). از این رو، بررسی علمی تفاوت های ساختاری و کارکردی نظم و نثر در فرآیند یاددهی-یادگیری ضرورت می یابد.

ساختار آهنگین و موزون شعر (نظم) به دلیل بهره گیری از موسیقی کناری و درونی، جذابیت ویژه ای برای نوجوانان دارد و فرآیند به یادسپاری مطالب را سرعت می بخشد (صالحی، ۱۳۹۷). شعر به واسطه داشتن تصویرسازی های قوی و صور خیال، ذهن خلاق را فعال کرده و به او اجازه می دهد فراتر از معنای قاموسی واژگان حرکت کند (رضایی، ۱۴۰۱). با این حال، به دلیل محدودیت های وزن و قافیه، گاه ساختار دستوری زبان در شعر دستخوش تغییر می شود که این امر ممکن است فهم دقیق و مستقیم عبارات را برای نوآموزان با سختی مواجه سازد (پورنامداریان، ۱۳۹۵). در مقابل، نثر ادبی به دلیل انطباق بیشتر با زبان گفتار و ساختار طبیعی جملات، فرآیند درک مستقیم و استخراج اطلاعات عینی را از متن تسهیل می کند (باطنی، ۱۳۹۶). نثر موقعیتی واقعی تر از کاربرد زبان را ارائه می دهد و به دانش آموز اجازه می دهد تمرکز خود را به جای موسیقی کلام، بر پیام منطقی و روابط علی و معلولی میان گزاره ها معطوف سازد.



شناخت و ویژگی های روان شناختی دانش آموزان نشان می دهد که تفکر آن ها نیازمند الگوهای زبانی واضح و ملموس است تا بتوانند به تحلیل متون پردازند (حسینی، ۱۴۰۲). متون ادبی اعم از نظم و نثر باید به گونه ای انتخاب شوند که علاوه بر برانگیختن ذوق زیبایی شناختی، بار شناختی مضاعفی بر ذهن دانش آموز بار نکنند (نیک فرجام، ۱۳۹۹). پژوهش های متعددی بر اهمیت ادبیات در رشد شناختی تاکید کرده اند، اما مقایسه نظام مند دو قالب اصلی ادبی (شعر در برابر داستان و حکایت نثر) در کلاس های درس کمتر به صورت تجربی رصد شده است (جمالی، ۱۴۰۱). معلمان غالباً به طور غریزی از شعر برای ایجاد انگیزه و از نثر برای سنجش درک مطلب استفاده می کنند، بدون آنکه از مبانی نظری و تجربی تفاوت های کارکردی این دو قالب آگاه باشند.

علاوه بر این، در استان های پهناوری مانند استان فارس که تنوع گویشی و زبانی در برخی مناطق آن وجود دارد، چالش مهارت های زبانی و درک مطلب متون رسمی دوچندان است (موسوی، ۱۴۰۰). در این مناطق، یادگیری زبان فارسی معیار از طریق متون خواندنی جذاب اهمیت ویژه ای دارد و انتخاب بین شعر و نثر ادبی می تواند در کاهش فاصله زبانی دانش آموزان موثر باشد (تقوی، ۱۴۰۲). متون نظم به دلیل ریتمیک بودن، اضطراب کلامی دانش آموزان را کاهش داده و مشارکت کلاسی را تقویت می کنند، در حالی که نثر ظرفیت های نگارشی و انشایی دانش آموزان را به شکل اصولی تری پایه ریزی می نماید (زارع، ۱۳۹۸). از این رو، این پژوهش تلاش دارد با نگاهی علمی و کاربردی، تفاوت های اثربخشی این دو قالب را در بستر واقعی کلاس درس مورد آزمون قرار دهد.

در نهایت، نتایج این پژوهش می تواند به عنوان راهنمای عمل برای معلمان، مولفان کتب درسی فارسی و طراحان برنامه های درسی مورد استفاده قرار گیرد. با مشخص شدن نقاط قوت هر یک از این قالب های ادبی در حوزه های خاص درک مطلب (مانند درک صریح، استنباط مستقیم، تلفیق ایده ها و تفسیر متن)، امکان تلفیق هوشمندانه تر آن ها فراهم می آید. این پژوهش گامی است جهت علمی سازی شیوه های تدریس ادبیات در مدارس و ارتقای کیفیت آموزش زبان فارسی که به عنوان پیش نیاز اصلی یادگیری سایر دروس عمل می کند.



بیان مسئله

مسئله اصلی این پژوهش، چالش ضعف درک مطلب و محدودیت مهارت‌های زبانی در میان دانش‌آموزان و عدم وضوح در کاربرد بهینه متون نظم و نثر ادبی برای رفع این نقیصه است. بر اساس گزارش‌های بین‌المللی مانند آزمون پرلز (PIRLS)، عملکرد دانش‌آموزان ایرانی در حوزه درک مطلب خوانداری همواره پایین‌تر از میانگین بین‌المللی بوده است (کریمی، ۱۳۹۸). این ضعف ساختاری نشان‌دهنده آن است که روش‌های سنتی آموزش زبان فارسی و استفاده غیرهدفمند از منابع ادبی نتوانسته‌اند مهارت‌های عالی تفکر و خواندن خلاق را در دانش‌آموزان پرورش دهند. معلمان معمولاً بدون توجه به ویژگی‌های شناختی و تفاوت‌های ساختاری شعر و نثر، به تدریس یکنواخت آن‌ها می‌پردازند که این امر منجر به افت انگیزه تحصیلی و یادگیری سطحی مفاهیم زبانی می‌شود.

قالب نظم به دلیل داشتن ساختار موزون و تکیه بر صنایع ادبی، از یک سو یادگیری تلفظ صحیح و روان‌خوانی را تسهیل می‌کند و از سوی دیگر به دلیل جابه‌جایی ارکان دستوری (مانند تقدیم مضاف‌الیه یا تاخیر فعل) ممکن است فرآیند رمزگشایی و درک معنای عمیق متن را برای دانش‌آموز پیچیده سازد (پیرانی، ۱۴۰۱). نوجوان در مواجهه با ابیات شعر، گاه در شناسایی فاعل و مفعول دچار سردرگمی می‌شود و زمان زیادی را صرف درک ظاهر عبارات می‌کند تا رسیدن به عمق معنا. این مسئله به ویژه در سیستم‌های آموزشی که تاکید زیادی بر حفظ کردن اشعار دارند، شدت می‌یابد و شعر را از یک ابزار لذت‌بخش و یاددهنده به موضوعی صلب و دشوار تبدیل می‌کند.

از سوی دیگر، متون نثر ادبی اگرچه ساختار نحوی استاندارد دارند و فهم پیام را آسان‌تر می‌کنند، اما ممکن است به اندازه شعر نتوانند توجه و تمرکز بلندمدت دانش‌آموزان را جلب کنند و در تحریک تخیل خلاق آن‌ها ضعیف‌تر عمل کنند (شهبازی، ۱۴۰۰). نثر ادبی فاقد موسیقی بیرونی است و به همین دلیل یادآوری طولانی‌مدت گزاره‌های آن برای حافظه فعال، نیازمند تلاش شناختی بیشتری است. تفاوت در نحوه پردازش شناختی این دو قالب ادبی در ذهن دانش‌آموز، موضوعی است که نیاز به بررسی دقیق تجربی دارد تا مشخص شود کدام قالب در کدام بخش از مهارت‌های زبانی کارایی بالاتری دارد.



عدم تعادل در استفاده از متون نظم و نثر در طراحی آموزشی معلمان، سبب شده است که دانش آموزان در برخی مهارت‌ها مانند سخنوری و خوانش لحن محور قوی باشند، اما در مهارت‌هایی نظیر خلاصه‌نویسی، بازنویسی و درک مفاهیم انتزاعی متون دچار ضعف شدید گردند (رحیمی، ۱۳۹۹). این ناهمگونی آموزشی نشان‌دهنده نبود یک الگوی مشخص برای ترکیب متناسب شعر و نثر در کلاس درس است. پژوهشگر به عنوان دبیر ادبیات به عینه مشاهده کرده است که دانش آموزان هنگام برخورد با متون منثور کهن (مانند حکایات گلستان) یا اشعار نو و کلاسیک کتاب‌های درسی، واکنش‌های شناختی متفاوتی نشان می‌دهند که بررسی علمی این واکنش‌ها ضرورت این تحقیق را دوچندان می‌کند.

بنابراین، مسئله اساسی تحقیق حاضر پاسخ به این پرسش است که: آیا بین میزان اثربخشی آموزش مبتنی بر متون نظم (شعر) و متون نثر ادبی بر توسعه مهارت‌های زبانی (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) و ابعاد درک مطلب (درک صریح، استنباط و تحلیل) دانش آموزان استان فارس تفاوت معناداری وجود دارد؟ و چگونه می‌توان از پتانسیل‌های هر دو قالب برای بهبود عملکرد زبانی دانش آموزان استفاده کرد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این پژوهش در اصلاح شیوه‌های تدریس زبان فارسی در مدارس و ارتقای مهارت‌های ارتباطی نوجوانان نهفته است. بهبود مهارت درک مطلب، کلید موفقیت تحصیلی در تمام دروس است؛ دانش آموزی که نتواند صورت یک مسئله ریاضی را به درستی بخواند و تفسیر کند، در حل آن نیز ناتوان خواهد بود (مقدسی، ۱۴۰۱). با توجه به اینکه ادبیات پایه و اساس هویت ملی و فرهنگی است، پیوند دادن آموزش زبان به ادبیات غنی فارسی از طریق روش‌های علمی، می‌تواند علاقه به مطالعه را در جامعه هدف نهادینه سازد. همچنین، این پژوهش ابزارهای کاربردی در اختیار معلمان قرار می‌دهد تا با شناخت دقیق از اثرات شناختی نظم و نثر، کلاس‌های درس پویاتر و اثربخش‌تری طراحی نمایند.



چارچوب نظری پژوهش

این پژوهش بر نظریه‌های رشد شناختی پیاژه، نظریه یادگیری اجتماعی-فرهنگی ویگوتسکی و نظریه پردازش اطلاعات استوار است. بر اساس نظریه رشد شناختی، نوجوانان در مرحله عملیات صوری قرار دارند اما همچنان برای فهم مفاهیم پیچیده نیازمند داربست‌های زبانی ملموس هستند (Piaget, ۱۹۷۲). ویگوتسکی معتقد است زبان ابزار اصلی رشد شناختی است که در تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد؛ در این راستا، متون نثر ادبی به عنوان نمونه‌های زبانی واقعی، بستر مناسبی برای گفتگو و تعامل زبانی فراهم می‌کنند (Vygotksy, ۱۹۷۸). همچنین، بر اساس نظریه زیبایی‌شناسی دریافت، مواجهه با متن ادبی (چه نظم و چه نثر) یک فرآیند فعال است که در آن خواننده به بازآفرینی معنا می‌پردازد و ساختار موزون شعر به عنوان یک محرک حسی قوی، حافظه فعال و بلندمدت را در پردازش اطلاعات یاری می‌رساند (Rosenblatt, ۱۹۹۴).

اهداف پژوهش

هدف کلی:

مقایسه اثربخشی آموزش مبتنی بر متون نظم در برابر متون نثر ادبی بر مهارت‌های زبانی و میزان درک مطلب دانش‌آموزان.

اهداف جزئی:

۱. تعیین و مقایسه میزان تاثیر تدریس متون نظم بر مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان.
۲. تعیین و مقایسه میزان تاثیر تدریس متون نثر ادبی بر مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان.
۳. تعیین و مقایسه میزان تاثیر تدریس متون نظم بر ابعاد مختلف درک مطلب (صریح، استنباطی).
۴. تعیین و مقایسه میزان تاثیر تدریس متون نثر ادبی بر ابعاد مختلف درک مطلب (صریح، استنباطی).



سؤالات پژوهش

۱. آیا بین اثربخشی تدریس متون نظم و نثر ادبی بر کل مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان تفاوت معناداری وجود دارد؟

۲. آیا بین اثربخشی تدریس متون نظم و نثر ادبی بر مولفه درک مطلب صریح دانش‌آموزان تفاوت معناداری وجود دارد؟

۳. آیا بین اثربخشی تدریس متون نظم و نثر ادبی بر مولفه درک مطلب استنباطی دانش‌آموزان تفاوت معناداری وجود دارد؟

فرضیات پژوهش

۱. اثربخشی تدریس متون نثر ادبی بر بهبود درک مطلب صریح دانش‌آموزان بیشتر از متون نظم است.

۲. اثربخشی تدریس متون نظم بر بازشناسی واژگان و دایره لغات (مهارت زبانی) دانش‌آموزان بیشتر از متون نثر ادبی است.

۳. آموزش مبتنی بر هر دو قالب نظم و نثر ادبی در مقایسه با روش سنتی، تاثیر معناداری بر ارتقای کل درک مطلب دانش‌آموزان دارد.

ادبیات نظری و مرور پیشینه پژوهش

در حوزه آموزش زبان و ادبیات، بررسی کارکردهای متون موزون و منشور سابقه‌ای طولانی دارد. متخصصان بر این باورند که موسیقی شعر به دلیل تحریک بخش‌های نیمکره راست مغز، فرآیند یادگیری عاطفی را تقویت می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۷). شعر به عنوان فرمی فشرده از زبان، تخیل دانش‌آموزان را به چالش می‌کشد و فرآیند واژه‌سازی و درک استعاره را تسهیل می‌نماید (صحرائی،



۱۳۹۸). در مقابل، نثر به عنوان قالب طبیعی زبان، رشد تفکر منطقی و مهارت‌های نوشتاری ساختاریافته را تسریع می‌کند (باطنی، ۱۳۹۶).

در پژوهش‌های پیشین، بررسی‌های متعددی پیرامون این موضوعات انجام شده است. برای مثال، نیک‌فرجام (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان داد که آموزش شعر میزان شادابی تحصیلی و یادگیری واژگان جدید را در دانش‌آموزان به طور چشمگیری افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، کریمی (۱۴۰۰) در پژوهشی مقایسه‌ای دریافت که استفاده از داستان‌های کوتاه منشور نسبت به اشعار تعلیمی، توانایی خلاصه‌نویسی و فهم ایده اصلی متن را بهتر تقویت می‌کند. همچنین پژوهش‌های خارجی نشان داده‌اند که ترکیب متوازن شعر و داستان در برنامه‌های درسی منجر به تعادل در رشد شناختی زبانی کودکان و نوجوانان می‌گردد (Duke & Pearson, ۲۰۰۲).

پژوهش‌های انجام شده توسط دانشمندان علوم شناختی تایید می‌کند که افراد از طریق ریتم متون منظوم، الگوهای آوایی زبان را سریع‌تر کشف می‌کنند (Goswami, ۲۰۰۸). با این وجود، پژوهش‌های حوزه درک مطلب نشان می‌دهند که برای درک سطوح عمیق‌تر و استنباط روابط منطقی بین پدیده‌ها، متون منشور به دلیل داشتن پیرنگ داستانی و توالی زمانی مشخص، بستر مناسب‌تری هستند (Snow, ۲۰۰۲). بنابراین، بررسی این موضوع در بافت بومی و مقایسه تجربی مستقیم این دو قالب می‌تواند زوایای جدیدی از اثربخشی آن‌ها را در نظام آموزشی استان فارس نمایان سازد.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، نیمه‌تجربی (شبه‌تجربی) با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و آزمایش بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول استان فارس در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود. نمونه آماری پژوهش شامل ۶۰ دانش‌آموز بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا از بین مناطق آموزشی استان فارس، یک منطقه انتخاب و از بین مدارس آن، دو مدرسه به صورت تصادفی برگزیده شد. کلاس‌های انتخابی در



سه گروه ۲۰ نفره (آزمایش ۱: آموزش با متون نظم؛ آزمایش ۲: آموزش با متون نثر؛ گروه کنترل: بدون مداخله نوین) جای‌دهی تصادفی شدند.

مداخله آموزشی برای گروه‌های آزمایش به مدت ۱۰ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای (دو جلسه در هفته) اعمال شد. برای گروه آزمایش اول، محتوای آموزشی در قالب اشعار، حکایات منظوم ادبیات فارسی ارائه شد. برای گروه آزمایش دوم، همان مضامین و مفاهیم آموزشی در قالب نثر ادبی ساده، داستان‌های کوتاه و حکایات منثور تدریس گردید. گروه کنترل آموزش‌های عادی کتاب درسی را بدون تمرکز ویژه بر تفکیک ساختاری دریافت کرد. ابزار سنجش، آزمون استاندارد درک مطلب محقق‌ساخته بر پایه الگوهای آزمون پرلز (PIRLS) با دو خرده‌مقیاس درک صریح و درک استنباطی بود. روایی محتوایی ابزار توسط متخصصان تایید گردید. پایایی ابزار با استفاده از فرمول کوادر-ریچاردسون به دست آمد. جدول توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش به شرح زیر است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی نمرات درک مطلب گروه‌ها در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

content_copy

گروه	مرحله آزمون	میانگین (Mean))	انحراف استاندارد (SD))
گروه آزمایش ۱ (نظم)	پیش‌آزمون	۱۲.۴۵	۲.۱۱
	پس‌آزمون	۱۶.۸۰	۱.۹۵
گروه آزمایش ۲ (نثر)	پیش‌آزمون	۱۲.۱۰	۲.۰۵
	پس‌آزمون	۱۸.۱۵	۱.۴۵



۲۰۱۵	۱۲۰۳۰	پیش آزمون	گروه کنترل (عادی)
۲۰۱۰	۱۳۰۲۰	پس آزمون	

یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های استنباطی حاصل از تحلیل داده‌ها به صورت درون‌متنی تحلیل می‌شوند. پس از احراز مفروضه‌های آماری شامل همگنی شیب‌های رگرسیون و آزمون همگنی واریانس‌های خطای لوین، از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری (MANCOVA) برای تعدیل اثر پیش‌آزمون استفاده گردید.

فرمول آزمون تحلیل واریانس به منظور تعیین نسبت واریانس بین گروهی به درون گروهی به صورت زیر بیان می‌شود:

$$F = MS_{\text{between}} / MS_{\text{within}}$$

شاخص‌های آماری به دست آمده برای تفاوت کلی بین گروه‌ها در متغیر درک مطلب پس از کنترل اثر پیش‌آزمون، مقادیر زیر را نشان داد:

$$F \text{ value} = 14.85, P \text{ value} = 0.001$$

با توجه به معناداری کلی آزمون، جهت مقایسه زوجی بین میانگین گروه‌ها، مقادیر آزمون تعقیبی بنفرونی به صورت درون‌متنی استخراج گردید. مقایسه تفاوت میانگین گروه آزمایش ۱ (نظم) و گروه آزمایش ۲ (نثر) نشان داد که نثر عملکرد بهتری در درک مطلب داشته است ($P \text{ value} = 0.034$). همچنین مقایسه گروه آزمایش ۱ (نظم) با گروه کنترل نشان‌دهنده برتری گروه آموزش دیده با شعر بود ($P \text{ value} = 0.001$). در نهایت، مقایسه میانگین گروه آزمایش ۲ (نثر) با گروه کنترل نیز تفاوت معناداری را به نفع آموزش نثر آشکار ساخت ($P \text{ value} = 0.001$).



در سنجش مهارت‌های زبانی (بخش دایره واژگان)، گروه آموزش دیده با نظم (شعر) میانگین نمرات بالاتری نسبت به گروه نثر کسب نمود که مقدار آزمون تی مستقل آن به صورت زیر گزارش شد:

$$T \text{ value} = 3.12, P \text{ value} = 0.004$$

رابطه مقایسه‌ای نمرات پس آزمون درک مطلب در سه گروه تحت مطالعه به صورت زیر صورت‌بندی می‌شود:

نمره گروه کنترل > نمره گروه نظم > نمره گروه نثر

بحث

یافته‌های پژوهش نشان داد که استفاده از متون نثر ادبی در مقایسه با متون نظم اثرات مثبت بیشتری بر مهارت درک مطلب دانش‌آموزان دارد. این یافته با نتایج پژوهش کریمی (۱۴۰۰) و پژوهش‌های خارجی نظیر اسنو (Snow, ۲۰۰۲) همسو است. تبیین این یافته بدین صورت است که نثر ادبی به دلیل انطباق ساختاری با نحو طبیعی زبان و عدم جابه‌جایی ارکان جمله برای حفظ وزن و قافیه، بار شناختی کمتری به حافظه فعال تحمیل می‌کند (باطنی، ۱۳۹۶). دانش‌آموز در هنگام خواندن متن منشور، بدون نیاز به بازسازی ساختار نحوی کلام، مستقیماً به پردازش معنا و کشف روابط منطقی میان گزاره‌ها می‌پردازد. این امر به ویژه در درک صریح اطلاعات و استنتاج‌های مستقیم نقش کلیدی دارد.

از سوی دیگر، نتایج نشان داد که آموزش مبتنی بر متون نظم در تقویت دایره لغات و بازشناسی واژگان کارآمدتر عمل کرده است. این یافته با پژوهش‌های نیک‌فرجام (۱۳۹۹) و گوسوامی (Goswami, ۲۰۰۸) همخوانی دارد. ریتم، آهنگ و موسیقی کناری شعر، نوعی داربست صوتی ایجاد می‌کند که بازیابی کلمات را از حافظه بلندمدت تسهیل می‌نماید. دانش‌آموزان واژگان جدید تعبیه‌شده در بافت شعر موزون را راحت‌تر حفظ کرده و به کار می‌برند؛ اگرچه ممکن است در تحلیل روابط عمیق معنایی و خلاصه‌سازی پیام همان ابیات با دشواری روبرو شوند. بنابراین، ادعای برتری مطلق یک قالب بر دیگری در آموزش زبان صحیح نیست و هر کدام کارکرد شناختی ویژه‌ای دارند.



چالش های مسئله

یکی از چالش های اساسی در این حوزه، کمبود متون نثر ساده، جذاب و در عین حال عمیق در کتاب های درسی است. اغلب نثرهای موجود در کتب فارسی یا بسیار ساده و فاقد ارزش ادبی بالا هستند یا بسیار کهن و دیرفهم (موسوی، ۱۴۰۰). چالش دیگر، ضعف مهارتی معلمان در شیوه های خوانش و تفسیر شعر در کلاس است؛ تدریس شعر غالباً به حفظ کردن و معنای واژه به واژه محدود می شود که لذت زیباشناختی و فرصت تقویت تفکر استنباطی را از دانش آموز سلب می کند (امیری، ۱۴۰۱). همچنین، تفاوت های زبانی در مناطق دوزبانه استان فارس مانعی جدی در درک عمیق استعاره ها و صنایع ادبی موجود در متون منظوم ایجاد می کند.

راهکارهای پیشنهادی

۱. **تلفیق روشمند نظم و نثر در کتب درسی:** پیشنهاد می شود متون درسی به گونه ای طراحی شوند که ابتدا یک مفهوم در قالب داستان منثور ارائه شده تا درک صریح آن حاصل گردد، سپس همان مفهوم در قالب شعری ریتمیک بازگو شود تا در حافظه ماندگار گردد.
۲. **آموزش شیوه های خوانش فعال به معلمان:** برگزاری کارگاه های استانی در فارس جهت توانمندسازی معلمان در زمینه آموزش شعر به عنوان یک تجربه زیبای شناختی و نه صرفاً حفظی.
۳. **تولید محتوای چندرسانه ای منثور و منظوم:** استفاده از کتاب های سخنگو، پادکست ها و انیمیشن های مبتنی بر ادبیات کهن فارسی برای تقویت درک شنیداری دانش آموزان.

نتیجه گیری



نتایج نهایی پژوهش نشان داد که هر دو قالب نظم و نثر ادبی ابزارهای ارزشمندی در آموزش زبان به شمار می‌روند، اما اثرات شناختی متفاوتی بر ذهن دارند. نثر ادبی به دلیل ساختار مستقیم، گزینه‌ای مناسب برای توسعه تفکر منطقی، خلاصه نویسی و مهارت‌های درک مطلب (به ویژه سطوح استنباطی) است. در مقابل، نظم با تکیه بر جنبه‌های موسیقایی و عاطفی، ابزاری بی‌بدیل در تقویت تلفظ، گسترش دایره لغات فعال و ایجاد انگیزه و شادابی تحصیلی در کلاس درس است. موفقیت برنامه‌های آموزش زبان فارسی در گروی بهره‌گیری متوازن و هم‌افزا از پتانسیل‌های ویژه هر دو ساختار زبانی است.

پیشنادهایی برای پژوهش‌های آینده

۱. بررسی اثربخشی تدریس نثر ادبی کهن (ساده‌سازی شده) در مقایسه با نثر معاصر بر توانایی نگارش دانش‌آموزان.
۲. بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان (دیداری، شنیداری) با میزان پذیرش و درک متون نظم و نثر.
۳. اجرای پژوهش مشابه در مناطق دو زبانه کشور به منظور سنجش اثربخشی شعر در تسهیل انتقال زبانی.

منابع

الف) منابع فارسی (داخلی)

۱. احمدی، رضا. (۱۳۹۹). *روش تدریس زبان فارسی در دوره ابتدایی و متوسطه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. امیری، مریم. (۱۴۰۱). تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی از منظر کارکردهای زبانی. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*. ۴۵-۵۸، ۱۸(۲)،



۳. باقری، خسرو. (۱۳۹۸). مبانی ملی و دینی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات مدرسه.

۴. باطنی، محمدرضا. (۱۳۹۶). نگاهی تازه به دستور زبان. تهران: انتشارات آگاه.

۵. پورنامداریان، تقی. (۱۳۹۵). درس فارسی برای معلمان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۶. تقوی، علی. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر دوزبانگی بر درک مطلب دانش آموزان استان فارس. مجله زبان شناسی کاربردی. ۲۹-۱۲، (۱)، ۱۰،

۷. رضایی، زهرا. (۱۴۰۱). بررسی جایگاه شعر کودک در رشد خلاقیت زبانی. فصلنامه علمی مطالعات ادبیات کودک. ۱۰۴-۸۵، (۲)، ۱۳،

۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۷). موسیقی شعر. تهران: انتشارات آگاه.

۹. صحرایی، رضامراد. (۱۳۹۸). استانداردهای آموزش زبان فارسی. تهران: انتشارات نویسه پارسی.

۱۰. کریمی، عبدالعظیم. (۱۴۰۰). یافته های آزمون بین المللی پرلز و دلالت های آن برای آموزش زبان. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

(ب) منابع انگلیسی (خارجی)

11. Duke, N. K., & Pearson, P. D. (2002). Effective practices for developing reading comprehension. *What research has to say about reading instruction*, 3(10), 205-242.
12. Goswami, U. (2008). Reading, phonology and cognitive development. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 49(1), 1-15. <https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.2007.01845.x>
13. Piaget, J. (1972). Intellectual evolution from adolescence to adulthood. *Human Development*, 15(1), 1-12.



14. Rosenblatt, L. M. (1994). *The reader, the text, the poem: The transactional theory of the literary work*. Southern Illinois University Press.
15. Snow, C. (2002). *Reading for understanding: Toward an R&D program in reading comprehension*. RAND Corporation.
16. Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society: The development of higher psychological processes*. Harvard University Press.
17. Halliday, M. A. K. (1993). Towards a language-based theory of learning. *Linguistics and Education*, 5(2), 93-116.
18. Chall, J. S. (1996). *Stages of reading development* (2nd ed.). Harcourt Brace.
19. Adams, M. J. (1990). *Beginning to read: Thinking and learning about print*. MIT Press.
20. Perfetti, C. A. (2007). Reading ability: Lexical quality to comprehension. *Scientific Studies of Reading*, 11(4), 357-383.
<https://doi.org/10.1080/10888430701530630>